

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

منتشر شده در روسیه امروز
تحلیلی از دیمیتری ترنین*
برگردان: یاسمین نازاروآ
۲۹ دسمبر ۲۰۲۲

روسیه، بدترین زمان ها بهترین زمان ها یا تخریب خلاقانه



روسیه پس از شوروی مرده است – تحولی بی پایان

در پایان سال، روسیه وارد مرحله جدیدی از تلاطم شده و در نتیجه تقریباً به گونه ای غیرقابل تشخیص تغییر کرد. اما ما هنوز دقیقاً متوجه نشده ایم که واقعاً چه تغییراتی رخ داده است.

اگر بخواهیم در یک کلمه توضیح دهیم که سال ۲۰۲۲ برای روسیه رقم خورد؟ من می گویم: رشد یابنده. این به خودی خود چیز جدیدی نیست. جنگ‌ها همواره پایه‌های کسانی را بازسازی می‌کنند که آنها را به راه می‌اندازند. درگیری در اوکراین یک موضوع فرعی نیست. پس از تنها ده ماه، به نظر می رسد تأثیر آن بسیار بیشتر از جنگ کریمه در اواسط قرن نوزدهم یا جنگ روسیه و جاپان در اوایل قرن بیستم باشد.

مناسبترین تشبیهی که در تاریخ روسیه می‌توان یافت، جنگ جهانی اول است و نه فقط به دلیل تسلط توپخانه و جنگ واقعی در سنگرها. این جنگ در اوکراین اولین درگیری روسیه از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی است که به یک بسیج عمومی هرچند محدود نیازمند است و مطمئناً این بزرگترین جنگ از نظر تلفات متحمل خواهد بود. با این حال، این جنگ تنها یکی از عناصر خشونت آمیز در درگیری ترکیبی گسترده تر بین روسیه و غرب جمعی

است.

بر اساس این درگیری بود که، به اصطلاح «تحریم های جهانی» و سپس بسیاری از اقدامات شدیدتر اعمال شد که کمتر کسی می توانست یک سال پیش تصورش را بکند.

در نتیجه، روسیه عملاً به طور کامل از سیستم مالی جهانی تحت سلطه غرب حذف شده است.

در این روند، تجارت با اروپای غربی، خانه شرکای اصلی اقتصادی سنتی مسکو، به شدت محدود شد و روابط انرژی اتحادیه اروپا و روسیه، ستون مادی اصلی روابط با اروپای غربی، بلافاصله قطع شد.

نیمی از ذخایر ارزی روسیه مسدود و دارائی های خصوصی برخی از شهروندان این کشور مصادره شد.

در بعد سیاسی، روسیه نه تنها مجبور به ترک شورای اروپا شد، بلکه لاوروف وزیر امور خارجه از شرکت در اجلاس سالانه سازمان امنیت و همکاری اروپا منع شد و تنها در آخرین لحظه اجازه حضور در اجلاس مجمع عمومی ملل متحد را دریافت کرد.

حدود دو سوم کشورهای عضو ملل متحد اقدامات روسیه در اوکراین را محکوم کرده اند. پارلمان اروپا، روسیه را به عنوان دولت حامی تروریسم معرفی کرده است و بوندستاگ آلمان اتحاد شوروی را مسؤول قحطی اوایل دهه ۱۹۳۰ دانست و در رابطه با مناطقی که اکنون اوکراین نامیده می شود این قحطی به عنوان «نسل کشی» شناخته شد. بدین ترتیب آشتی آلمان و روسیه پس از جنگ جهانی دوم، یکی از معجزات تاریخ شناخته می شد، بلافاصله دود شد و به آسمان رفت.

برای این که این شاهکار تکمیل شود، بسیاری در غرب تلاش کردند تا چیزی شبیه به اعدام اخلاقی را در مورد روسیه به اجراء بگذارند و کشور را به نسخه مدرن آلمان نازی پس از پایان جنگ ۱۹۴۵ تبدیل کنند.

فرهنگ و هنر روسیه را ممنوع کردند، ورزشکاران روسی را از مسابقات بین المللی – از جمله جام جهانی و بازی های المپیک – محروم می کنند و حتی حیوانات کوچک روسی را از مسابقات سگ و گربه منع می کنند.

وسعت و مقیاس و وحشی گری این ضلع های گسترده این حملات قبل از هر چیز با انعطاف پذیری اقتصاد، جامعه و سیاست روسیه خنثی شد.

تولید ناخالص داخلی این کشور در سال گذشته کاهش یافته است، اما فقط کمتر از ۳ درصد، با تورم در حدود ۱۲ درصد – کمتر از بسیاری از کشورهای عضو اتحادیه اروپا بود.

مردم تا حد زیادی توانسته اند خود را با شرایط جدید، از جمله شوک کاملاً غیرمنتظره بسیج نظامی، وفق دهند. با ممنوعیت بسیاری از صادرات به روسیه، این کشور دوباره یاد گرفت که چگونه همه چیز را از لباس گرفته تا هواپیماهای مسافربری به تولید انبوه برساند.

حاکمیت فناوری دیگر يك عبارات کلیدی نیست، بلکه به سیاست تبدیل شده است.

حاکمیت مالی از طریق سیستم پرداخت ملی و تجارت خارجی با استفاده از ارزهای دو ملیتی از جمله روبل تقویت شده است.

محدودیت های غرب و خصومت عمومی نسبت به روسیه به از بین بردن توهمات باقی مانده در مورد اروپای غربی و امریکای شمالی کمک کرده و تغییر جهت گیری سیاست خارجی روسیه را که مدت ها پیش به پایان رسیده بود، نسبت به آسیا، خاورمیانه، افریقا و امریکای لاتین تقویت کرد.

نخبگان روسی که با یک انتخاب دوگانه مواجه شده اند، روندی از خود انعکاس را طی کرده اند: برخی در روسیه مانده اند در حالی که برخی دیگر به ثروت خود در خارج از کشور چسبیده اند.

جنبش های طرفدار غرب در داخل روسیه اکثر رهبران و حامیان کلیدی خود را از دست داده اند که اکثر آنها مهاجرت کرده اند، در حالی که میهن پرستی روسی در بین بسیاری از شهروندان تقویت شده است. از نظر ارزش ها و ایده ها، فرهنگ حاکم مصرف به وسیله فرهنگ منفعت عمومی زیر سؤال رفته است.

آیا ممکن است بدترین زمان ها بهترین زمان ها نیز باشد و آنچه در حال حاضر در روسیه تجربه می شود مساوی با تخریب خلاقانه باشد؟

ممکن است اینطور باشد، اما با نزدیک شدن به سال ۲۰۲۳، ما تنها در آغاز فرآیندی هستیم که وعده می دهد به اندازه سقوط اتحاد جماهیر شوروی کره زمین را تحت تاثیر خود قرار دهد، اما اینبار در جهت مخالف تحولات آن زمان حرکت می کند. این درست است، هنوز ابهامات زیادی وجود دارد.

چیزها و عوامل بد هنوز هم می توانند جلوی پیشرفت های خوب را بگیرند.

بخشی از نخبگان هنوز آرزوی آشتی با غرب را دارند، حتی به قیمت تسلیم شدن و صبر مردم عادی هر لحظه ممکن است در مواجهه با سختی های فوق العاده جدید تمام شود.

با این حال، بسادگی غیرممکن است که ساعت را به ۲۲ فیبروری ۲۰۲۲ برگردانیم، چه رسد به سال ۲۰۱۳. این اتفاق نمی افتد.

روسیه یک کشور آزمون و خطا نیست. از لحاظ تاریخی، روسیه از یک بحران به بحران دیگر، با دوره هایی از صلح و آرامش – و در بین آنها دوره های زوال اجتنابناپذیر، حرکت کرده است.

پس از پایان جنگ در چین، روسیه از دو دهه صلح، ثبات نسبی و مقداری رفاه برخوردار شد.

اکنون زمان مواجهه با یک بحران بزرگ جدید است که تازه شروع شده است، پس از آن که اولین نسخه روسیه پس از شوروی ثابت کرد که پتانسیل خود را به اتمام رسانده است.

خطوط فدراسیون روسیه ۲۰۰ هنوز کاملاً مشخص نیست.

تنها می توان به یک اقتصاد پایدارتر و متکی به خودتر، با بودجه مستقل تر و سالم تر امیدوار بود، یک پایگاه فنی و علمی قوی تر؛ قرارداد اجتماعی عادلانه تر؛ یک سیستم سیاسی که پاسخگوتر به شهروندان باشد. نخبگانی مبتنی بر شایستگی که به جای افراد، به نفع و در جهت عامه مردم خدمت می کنند.

ارتشی قوی تر با سمت گیری غیر هسته ای؛ یک سیاست خارجی که از نزدیک با اکثریت رو به رشد جهانی کشورهای غیر غربی همکاری کند و – در نهایت – مبنای رضایت بخشی برای روابط جدید با اروپای غربی و امریکای شمالی پیدا می کند. این لیست آرزوهای یک لیست طولانی است.

با این حال، آنچه واضح است این است که راه رسیدن به آینده ای بهتر برای روسیه باید از طریق اوکراین ایجاد شود – البته بدون شک با بهای گزاف.

* - دیمیتری ترین استاد دانشکده اقتصاد و کارشناس ارشد دانشکده تحقیقات در مؤسسه اقتصاد جهانی و روابط بین الملل است.

او همچنین عضو شورای روابط بین الملل روسیه است.